

# مدیریت و سرمایه اجتماعی

محمد رضا غلامپور بناب \*

هاجر بیرامی امینلویی \*\*

## چکیده:

هر مدیری پی به اهمیت سرمایه اجتماعی برده و می‌داند که کارها و وظایف سازمان زمانی خوب انجام خواهد شد، که در آن افراد سازمان، همدیگر را شناخته و به یکدیگر اعتماد کنند. این سرمایه امروزه نقش بسیار مهم‌تری نسبت به سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها با انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها می‌باشد. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها، اثر خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شود. شواهد محکمی وجود دارد که بیان می‌کند سرمایه اجتماعی باعث تقویت فعالیت‌های سازمانی می‌شود. افرادی که سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده و از آن استفاده می‌کنند، مشاغل بهتری می‌یابند، حقوق بیشتری دریافت می‌کنند، سریع‌تر ترفیع می‌گیرند و در مقایسه با هم‌تایان منزوی خود که تمایلی برای استفاده از قدرت سرمایه اجتماعی نداشته یا توان آن را ندارند از تأثیر و نفوذ بیشتری برخوردار هستند. بنابراین مدیریت سرمایه اجتماعی خود می‌تواند به عنوان مزیت رقابتی در دنیای پست مدرن در افراد و گروه‌ها مطرح باشد.

## مقدمه

سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند اشاره دارد. این منابع شامل اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی و اعتماد و همکاری است. در شبکه‌هایی که به خوبی ساخته شده و به خوبی مدیریت می‌شوند، این منابع مخفی باقی می‌مانند. همچنین اگر ما به اسطوره‌های فردگرایی پناه ببریم یا وانمود کنیم که صاحب مطلق سرنوشت خویش هستیم این منابع ارزشمند پوشیده خواهند ماند. حتی استعداد ذاتی، هوش، تعلیم و تربیت، تلاش و شانس به هیچ وجه جزء مشخصه‌های فردی محسوب نمی‌شوند، بلکه تمام آنها از طریق روابط گروهی ما با دیگران، توسعه یافته، شکل گرفته و آشکار می‌شوند.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

### سرمایه اجتماعی به مثابه سیاست

بخش ناچیزی از تفکرات عالمانه توان تأثیرگذاری بر جهان را دارد. ایده‌های بی شماری وجود دارد که تدوین و تنظیم و عملی شده و مورد بحث، نقد و ارزیابی قرار گرفته و سپس به آرشیوهای غبار گرفته تاریخ اندیشه سپرده شده‌اند.

سرمایه اجتماعی از این نوع ایده‌ها نیست، ظهور و اهمیت ناگهانی آن در علوم اجتماعی، عموم مردم را مخاطب و تحت تأثیر خود قرار داده است. پاتنام با زبانی توده‌گرایانه و با به کارگیری مجموعه‌ای از عناوین شفاف و جذاب، از جمله تلویزیون به عنوان «متهم» با افزایش پیک‌نیک‌ها و گروه‌های موسیقی به عنوان یک راهکار، به این مفهوم خصلت زنده و همگانی اعطا کرده است. ویژگی بین رشته‌ای این مفهوم، ائتلاف گسترده‌ای از دانشمندان رشته‌های مختلف دانشگاهی را موجب شده است که تمامی آنها بر موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری چون بهداشت، جرم، تجدید نسل، اشتغال و پیشرفت آموزشی تمرکز دارند. لحاظ کردن شبکه‌ها و هنجارهای مشترک به عنوان شکلی از سرمایه، توجه عده‌ای از اقتصاددانان را جلب کرده و درهای معمولاً بسته و محفلی مباحث جدی مربوط به خط مشی‌ها را باز نموده است. زبان سرمایه، در بین مخاطبانی بی‌شمار استفاده عملی پیدا کرده است. اگر شما بتوانید سرمایه داشته باشید می‌توانید عاقلانه آن را سرمایه‌گذاری کنید یا این که آن را در زیرتشک خود پنهان کرده و منتظر کاهش روز به روز ارزش آن باشید. این واقعیت که سرمایه اجتماعی دارای پیامدهای مستقل از سایر عوامل ساختاری است به این معنا می‌باشد که اصولاً بینش‌های مربوط به بحث سرمایه اجتماعی، باید کاربردی باشند. علاوه بر این، این مفهوم مورد استفاده برخی هیأت‌های سیاست‌گذاری بانفوذ قرار گرفته است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به عنوان مجموعه‌ای برای بحث موضوعات سیاست‌گذاری در بین حکومت‌های قدرتمندترین محل دنیا (که نه تنها شامل کشورهایایی از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا است بلکه تازه‌واردانی مثل مکزیک و کره جنوبی هم جزء آن هستند) این مفهوم را گسترش داده است.

در بانک جهانی عموماً در قالب برگزاری یک مجموعه کارگاه‌های مشاوره‌ای در اواسط دهه ۱۹۹۰، زمانی که بانک جهانی در حال برنامه‌ریزی سیاست‌های توسعه پایدار بود، تبعات سیاسی سرمایه اجتماعی توسعه و مورد توجه قرار گرفته‌اند. این ایده‌ها سپس در برنامه‌های فقرزدایی این بانک که بر توسعه مبتنی بر اجتماع محلی، مشارکت گروهی محله در تصمیم‌گیری، ظرفیت‌سازی در سازمان‌های محلی و انتخاب پروژه‌هایی که پاسخگوی تقاضاهای محلی هستند به کار گرفته شده است.

ایده در زبان سرمایه اجتماعی، سکوی مشترک گسترده‌ای را برای گفتگو بین سیاست‌گذاران و دانشگاهیان فراهم آورده است. تمایل رابرت پاتنام برای مشارکت در سیاست کاملاً معروف است. او در مقاله‌ای که همان سال به عنوان مطالعه اصلی خود درباره حکومت ایتالیا منتشر کرد، این مفهوم را مطرح ساخت و از آن زمان، فعالانه به دنبال فرصت‌هایی برای تعامل با سیاست‌گذاران بود. وی سپس فصل آخر «بولینگ تنها» را به تعریف «برنامه‌ای برای سرمایه‌داران اجتماعی» اختصاص داد. مسلماً این برنامه مختصر بود دوازده صفحه که دو صفحه آن به بازتاب عمومی بازسازی اجتماع محلی در آمریکا اختصاص دارد. پاتنام نتیجه‌گیری کرده است که تصمیم درباره نحوه ایجاد سرمایه اجتماعی کار ساده‌ای نیست، در عین حال که ممکن است این کار در نتیجه یک بحران ملی ملموس مثل جنگ یا فاجعه طبیعی و... تسهیل شود. اما آمریکا در آغاز قرن جدید با هیچ کدام از این بحران‌های تحریک‌کننده رو به رو نیست یک سال بعد از انتشار «بولینگ تنها» نظریه پاتنام به شدت مورد آزمون قرار گرفت. پاتنام آشکارا به تشریح تأثیر کوتاه مدت حملات ۱۱ سپتامبر بر همبستگی اجتماعی پرداخت و علاوه بر آن مورد مشورت کاخ سفید قرار گرفت. بوش علاوه بر این که تمام تلاش خود را برای این که در حال بازدید از مسجدی دیده شود انجام داد، در سخنانی سالانه خود شکل‌گیری انجمن‌های شهروندی را اعلام نمود و تلاش کرد تا آمریکایی‌ها را به کمک به یکدیگر، ترغیب نماید که پاتنام این ژست‌ها را تشویق کننده و اما ناکافی خواند.

سرمایه اجتماعی جوهره‌ای  
از علاقه خالصانه به دیگران  
و روابط صادقانه در خود است

### ارتباط سرمایه اجتماعی با سلامت:

افرادی که شبکه‌های ارتباطی خوبی دارند، از سلامتی جسمی و روحی بهتری سود می‌برند. اثرات ارتباطات در افزایش سلامتی افراد، طی مطالعات و تحقیقات فراوانی به اثبات رسیده است. این اثرات را می‌توان از کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های جدی، رهایی از سرماخوردگی معمولی طبقه بندی کرد. در میان افرادی که بیمار می‌شوند، آنهایی که از شبکه‌های ارتباطی قوی برخوردارند در مقایسه با افرادی که منزوی هستند و به تنهایی زندگی می‌کنند، سریع‌تر بهبود می‌یابند. احتمال ابتلا به بیماری‌های عفونی در زوج‌هایی که رفتار احترام آمیزی نسبت به یکدیگر دارند بسیار کم است. برعکس در ازدواج‌های نامناسب غم آلوده، احتمال ابتلا به بیماری‌ها تا ۲۵ درصد افزایش می‌یابد و امید به زندگی، ۴ سال کاهش پیدا می‌کند.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در مجله انجمن پزشکی آمریکا، پاسخ به این سؤال که آیا شبکه‌های اجتماعی، مانع از سرخوردگی می‌شوند مثبت است. محققان دانشگاه کارنگی ملون اضافه می‌کنند که شبکه‌های اجتماعی متنوع‌تر، با مصونیت بیشتر در برابر بیماری‌های تنفسی، در ارتباط می‌باشند. چگونه آنان به این موضوع پی بردند؟ در ابتدا از ۲۷۶ داوطلب که از سلامتی خوبی برخوردار بودند خواسته شد روابط خود را با دوستان، خانواده و محیط کار و اجتماع تشریح کنند. سپس محققان به آنان قطره‌های بینی دادند که محتوی یکی از دو نوع ویروس سرماخوردگی بود، عواملی که باعث سرماخوردگی می‌شوند. داوطلبان در قرنطینه قرار داشتند و محققان منتظر بودند تا ببینند چه کسی مبتلا می‌شود. افرادی که روابط اجتماعی گوناگونی داشتند، بسیار کمتر از افرادی که روابط اجتماعی معدودی داشتند دچار بیماری شدند.

### سرمایه اجتماعی به عنوان یک شایستگی سازمانی:

شاید در زمان‌های گذشته، سرمایه اجتماعی به عنوان یک شایستگی ضروری برای سازمان‌ها محسوب نمی‌شد (هرچند تصور حالتی که سرمایه اجتماعی هیچ فایده‌ای ندارد بسیار مشکل است)، اما امروزه این امر ضروری تلقی می‌شود. تغییرات فراگیر، نیازهای نوآوری و خلاقیت، پیشرفت مداوم، تغییر به سوی طراحی سازمانی مسطح و منعطف و ارتباط تنگاتنگ بین سازمان و شبکه‌های مشتریان، تأمین کنندگان و رقبا ایجاب می‌کند که رهبران سازمان‌ها، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک شایستگی مشخص سازمانی ایجاد کنند. محل قرارگرفتن شما در سازمان و بزرگی و کوچکی گروه شما اهمیتی ندارد، شما می‌توانید معمار و سرمایه اجتماعی باشید و با کمک به دیگران برای ساخت سرمایه اجتماعی‌شان به خودتان کمک کنید.

اندیشه کمک به دیگران در ساخت سرمایه اجتماعی مستقیماً به تناقض توانمندسازی منتهی می‌شود. ممکن است فردی بتواند دیگران را به انجام کارهایی وادار سازد اما ساخت سرمایه اجتماعی به این مقوله تعلق ندارد.

سرمایه اجتماعی جوهره‌ای از علاقه خالصانه به دیگران و روابط صادقانه در خود است. تا حدودی مجبور هستیم بدون سعی در وادار کردن دیگران برای ساخت سرمایه اجتماعی‌شان، تلاش‌های آنان را برای انجام این کار تسهیل کنیم.

ساخت سرمایه اجتماعی به عنوان یک شایستگی سازمانی، به فراهم کردن بستری نیاز دارد که در آن افراد به فعالیت در روش‌هایی ترغیب گردند و قادر شوند که به خلق و نگهداری و بسط شبکه‌ها بپردازند.

### اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

سیاست‌گذارانی که ایده ارتقای سرمایه اجتماعی را می‌پذیرند، تماماً بر این نکته توافق دارند که اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی چالش اصلی است. برای مثال، گزارش واحد مطالعات پیشرو در انگلیس اظهار داشته است که توانایی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در تمام سطوح و در تمام اشکال و انواع آن و مرتبط ساختن آنها با نتایج خاص اقتصادی، اجتماعی و سایر نتایج مد نظر سیاست‌گذاران، امری ضروری است. دامنه وسیعی از مجموعه‌های درگیر در کار توسعه محلی پذیرفته‌اند که اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی می‌تواند روش مؤثری برای تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران باشد. سیاست‌گذاران معاصر معمولاً منابع محدود را در فعالیت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که قابل اندازه‌گیری باشند. به گونه‌ای که بتوانند نتایج سرمایه‌گذاری‌شان را با نتایج هزینه‌های مشابه نقاط دیگر مقایسه نمایند. بدیهی است که سرمایه اجتماعی از این قاعده نمی‌تواند مستثنی باشد.

در بهترین حالت، این انطباق خیلی سست است و در بدترین حالت ممکن است به قدری بی ربط باشند که به جای آگاه کردن، باعث گمراهی شود. یکی از مشکلات حاصله، وجود شاخص‌های بالقوه بسیار زیادی است که هر کدام از آنها به ابعاد مختلفی اشاره می‌کند. در بولینگ تنها، پاتنام یک شاخص ترکیبی از چهارده شاخص مجزای فعالیت‌های انجمن رسمی و غیررسمی و سطوح اعتماد طراحی کرد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بر این باور است که در صورت فقدان شاخص‌های وسیع و جامع اعتماد می‌تواند یک معرف قابل قبول باشد.

اندازه‌گیری اعتماد در سطح، کاری آسان است. از سال ۱۹۸۱، پیمایش ارزش‌های جهانی توسط رونالد اینگلهارت انجام می‌شود.

در سال ۱۹۹۵، بالاترین سطح اعتماد بر اساس شاخص پاتنام در کشور نروژ (۳/۶۵ درصد) و پایین‌ترین سطح در کشور ترکیه (۵/۶ درصد) وجود داشت و انگلیس (با ۳۱ درصد) بین این دو بود. (سازمان همکاری توسعه اقتصادی) اما سادگی آشکار این سنجش می‌تواند به شدت گمراه کننده باشد.

به اعتقاد برخی، به خصوص در اجتماع تجاری، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی صرفاً بررسی «خط پایه» است. اما این کار به این سادگی که به نظر می‌رسد نیست. همان‌طور که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به صراحت بیان می‌کند که اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی دشوار است. بیشتر کارهای انجام گرفته تاکنون، بر مبنای شاخص‌هایی بوده است که منحصراً از آمریکا صادر شده و از حداقل انطباق برخوردار بوده‌اند. روابط و ارزش‌های مشترک به طور عمیقی ریشه در شرایط محلی دارند و مردم تأثیرات آنها را به طرق مختلفی لمس می‌کنند. همان‌طور که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی خاطر نشان می‌سازد، بیشتر موضوعات مرتبط با سرمایه اجتماعی ضمنی و نسبی بوده و به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند. در این شرایط به ناچار تمامی شاخص‌ها به صورت معرف بوده و به صورت مستقیم سرمایه اجتماعی را اندازه‌گیری نمی‌کنند. مؤلف‌ها اصولاً «متغیرهای آسان» هستند، آنها باید نوعی اتصال شفاف با سرمایه اجتماعی داشته باشند و همچنین به راحتی قابل اندازه‌گیری باشند.

### نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی ابتدا یک مفهوم به نسبت ساده‌ای بود ولی به سرعت به تشریحی پیچیده از روابط مردم و ارزش این روابط تبدیل گردید. با گسترش هر چه بیشتر بحث، محدودیت و نقض مفهوم سازی اولیه سرمایه اجتماعی روشن شد چیزی که از سوی پاتنام مطرح شده بود پنداشت‌های اولیه ناقص و نامنسجمی را در اختیار قرار می‌داد که با تلاش‌های سایرین، این مفاهیم در فرضیه‌ها و مدل‌های متنوع و مناسبی جای گرفتند. به هر حال این فرضیه‌ها و یا مدل‌ها هستند که ما را قادر می‌سازند تا از اصطلاح سرمایه استفاده کنیم. سرمایه اجتماعی تا جایی می‌تواند سرمایه خوانده شود که باعث ظهور و شکوفایی منابعی شود که کنشگران، افراد و گروه‌ها بتوانند به کارگیری آنها به شکل مؤثرتر، در قیاس با فقدان آن، به اهداف خود دست پیدا کنند. □

### منابع

- ❖ ۱. الوانی، سیدمهدی، ربیعی مندجین، محمدرضا (۱۳۸۲) (مدیریت و سرمایه اجتماعی) انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
- ❖ ۲. جان فیلد (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی انتشارات کویر ترجمه غلامرضا غفاری / حسین رضایی
- ❖ ۳. Bates. T(1992) social Resources generated by group support Networks may not be beneficial to Asian Immigrant Owned small Business social forece.(72,3)
- ❖ ۴. Bourdieu p(1988) Distinction a social critique (41-58) of taste Routledy London. Routledy London.
- ❖ ۵. Colemanjs (1994) foundations of social Theory Bel knap press. Cambridge MA.